

# اسکان و تحولات اقتصادی – اجتماعی جامعه عشایری

## نمونه: کانون آواز در شهرستان درمیان

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱/۱۰

<sup>۱</sup> بهناز نجاتی

<sup>۲</sup> محمد حجتی پور

<sup>۳</sup> جواد میکائیکی

<sup>۴</sup> محمد ظاهر مسینایی نژاد

<sup>۵</sup> محمد ابراهیم ابراهیمی

### چکیده

یکی از راهبردهای توسعه‌ساز در متن جامعه عشایری، اسکان است. کانون آواز در شهرستان درمیان به عنوان یکی از کانون‌هایی است که بخشی از عشایر خراسان جنوبی در ابتدا به طور خودجوش در آن اسکان یافته‌اند. در این مقاله سعی شده است تا به بررسی تحولات اقتصادی – اجتماعی جامعه عشایری پس از اسکان اشاره شود و در آن، با رویکردی توصیفی – تحلیلی و مبتنی بر دو روش اسنادی و پیمایشی به مطالعه عشایر اسکان یافته پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه مشتمل بر ۱۵۰ خانوار عشایری ساکن در کانون آواز بوده که از میان آنان تعداد ۸۵ خانوار با کمک فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه تعیین و از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده، انتخاب شدند. ضریب پایایی پرسش‌نامه مورد استفاده به کمک روش تصنیف ۰/۸۶ به دست آمد. یافته‌ها نشان داد علی‌رغم بهبود در شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی، در بعد اقتصادی دسترسی به غذا، دارای بیشترین تحولات مثبت بوده است اما پارامترهایی هم‌چون درآمد و پس‌انداز رشد قابل ملاحظه‌ای نداشته است. در بعد اجتماعی نیز شاخص باسوادی جامعه ارتقاء یافته اما به لحاظ کیفیت و کاربردی نمودن

---

Nejatibehnaz@yahoo.com.

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی. نویسنده مسؤول

۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه خوارزمی

۳. عضو هیأت علمی گروه جغرافیا دانشگاه بیرجند.

۴. کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی (زراعت) و مسؤول مطالعات اداره کل امور عشایر.

۵. کارشناس ارشد مهندسی کشاورزی (توسعه کشاورزی) و مدیرکل امور عشایر.

آن، تحول چشمگیری نمی‌توان یافت. به‌علاوه اسکان در بعد جریان فضایی جمعیت به سکویی برای مهاجرت جوانان به کانون‌های شهری تبدیل شده است.

**واژگان کلیدی:** توسعه عشایر، اسکان، کانون آواز، درمیان.

الگوی زیستی و مدل معیشتی جمعیت ایران از گذشته متشکل از سه شیوه شهرنشینی، روستانشینی و کوچ‌نشینی بوده است. بنا به ویژگی‌های خاص اقلیمی و محیط طبیعی (جغرافیایی) کشور، زندگی عشایری از سابقه بیشتری در قیاس با سایر شیوه‌ها برخوردار می‌باشد و تا حدود یک قرن پیش، بخش عمده‌ای از جمعیت کشور را کوچ‌نشینان تشکیل می‌دادند. ویژگی‌های خاصی هم‌چون شیوه معیشت مبتنی بر کوچ، اقتصادی بر پایه دام و مرتع، مولد بودن جامعه، کم هزینه و توانمند بودن آن در کنار فرهنگ خاص، سبب شده تا جامعه عشایری کاملاً از دو جامعه دیگر متمایز باشد (منصوری، ۱۳۸۱: ۶۵؛ فیروزان، ۱۳۶۲: ۳۵۶). در عرصه سیاسی نیز جمعیت و جوامع عشایری طی قرون متمادی از نقش و اقتدار زیادی برخوردار بوده‌اند به گونه‌ای که در مراحل از تاریخ، حاکمیت سیاسی ایران و برخی از سرزمین‌های اطراف را نیز در اختیار داشته‌اند.

جامعه عشایری کشور با جمعیتی برابر ۱۱۸۶۸۳۰ نفر در ۲۱۲۶۶۰ خانوار (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷) هر چند که تنها ۲ درصد از کل جمعیت کشور را شکل می‌دهند اما نقش مهمی در اقتصاد دارند چرا که بخش اعظم دام کشور که قسمت بزرگی از درآمد ملی ایران را تشکیل می‌دهد، نزد ایلات و عشایر متمرکز شده است (سرگی یویچ ایوانف، ۱۳۸۵: ۶). به لحاظ تاریخی نیز هر چند اطلاعات متقن و جامعی در خصوص میزان اهمیت و نقش اقتصادی عشایر در کل اقتصاد کشور در دست نیست اما اگر بپذیریم که قدرت سیاسی هر گروه اجتماعی تا اندازه‌ای از قدرت اقتصادی نشأت می‌گیرد، بنا به جایگاه سیاسی آنان

در گذشته می‌توان نتیجه گرفت که به ظن قوی، نقش اقتصادی ایل‌ها و عشایر بسیار با اهمیت بوده است (عزیزی، ۱۳۸۷: ۹).

پیش از رسوخ پدیده‌های جدید در ارکان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، روند زندگی یکجانشینی یا کوچ‌نشینی را شرایط سیاسی، امنیتی و اقتصادی تعیین می‌نمود اما با ورود و رواج پدیده مدرنیسم - به ویژه پس از جنگ جهانی دوم - جوامع سنتی دچار دگرگونی و رشد سریع شهرنشینی شد که در نتیجه آن، هم از اهمیت جوامع عشایری و روستایی کاسته شد و هم بر منزلت زندگی شهرنشینی افزوده گشت (بهشتی، ۱۳۷۷: ۲۳). در واقع، به دنبال مدرنیته وارداتی در جهان سوم نظیر کشور ما، رکود شدیدی در زندگی عشایری و روستایی به وجود آمد که به تبع بخش‌هایی از اقتصاد و تولیدات کشور نظیر تولیدات کشاورزی، دامداری و صنایع دستی نیز رو به افول نهاد.

با توجه به نقش و کارکرد ویژه عشایر در نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور و یا به عبارتی، بنا به دیدگاه عدالت اجتماعی و تعادل منطقه‌ای جهت حصول توسعه پایدار (صیدایی، ۱۳۷۷: ۸۴)، ضرورت بهبود و ارتقاء این جوامع در نظام برنامه‌ریزی توسعه کشور اهمیتی اساسی یافته است. بدین‌سان، طرح‌های اسکان در پی اهدافی هم‌چون برقراری عدالت، بهبود توسعه انسانی، پایداری محیطی و افزایش رفاه و رضایتمندی آن بخش از افراد جامعه که کوچ‌نشین می‌باشند، به اجرا درآمد (شاطری و حجتی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۸).

استان خراسان جنوبی به عنوان یکی از مناطق کوچ‌نشین کشور، جمعیت عشایری آن براساس آخرین سرشماری عشایری در سال ۱۳۸۷ بالغ بر ۸۰۱۷۵ نفر می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۷) که در راستای توسعه جوامع عشایری آن، یکی از عمده راهکارهای عملیاتی در سطح منطقه، اسکان عشایر کوچ‌رو و ایجاد کانون‌های توسعه عشایری بوده که نمود آن، وجود چندین کانون اسکان در پهنه جغرافیایی استان است. یکی از کانون‌هایی که عمده عشایر به صورت خودجوش در آن اسکان گزیده‌اند، کانون اسکان عشایری "آواز" در

شهرستان درمیان می‌باشد. در مقاله حاضر تلاش شده است تا پیامدهای اقتصادی - اجتماعی اسکان را بر جامعه عشایری کانون آواز مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. با توجه به این که هر برنامه هم به لحاظ ابعاد نرم‌افزاری و هم در مراحل اجرا (بعد سخت آن) از کم و کاستی‌هایی برخوردار است، با ارزیابی پیامدهای گوناگون آن بر اجتماع هدف، می‌توان سوءگیری ثمربخشی را در ادامه فرآیند ایجاد نمود. به عبارت دیگر، با تحقیقاتی از این دست می‌توان با شناسایی نقاط قوت و ضعف موجود، هم برنامه فعلی (اسکان اجرا شده در کانون آواز) را کارا ساخت و هم تجربه‌ای موفق در جهت اقدامات توسعه‌ای در خصوص سایر اجتماعات عشایری به دست آورد. از این رو پژوهش حاضر دارای اهمیت و ضرورتی کاربردی است.

### تحقیق

چه تحولاتی در نتیجه اسکان عشایر در ابعاد اقتصادی - اجتماعی زندگی آنان به وجود آمده است؟

### فرض تحقیق

با اسکان عشایر تحولات مثبتی در ابعاد اقتصادی - اجتماعی جامعه عشایری به وجود آمده است.

### شناسی تحقیق

مقاله حاضر به لحاظ هدف کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است. در راستای پیشبرد آن از مطالعات اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. در روش پیمایشی با به کارگیری دو روش مصاحبه و تکمیل پرسشنامه از خانوارهای ساکن در روستای آواز، داده‌های مورد نیاز گردآوری و سپس با بهره‌گیری از نرم افزار آماری SPSS به تجزیه و تحلیل آن پرداخته شد. جامعه هدف شامل ۱۵۰ خانوار بوده که از میان آنان تعداد ۸۵ خانوار با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده در روستا انتخاب شدند. روایی پرسش‌نامه مورد استفاده با نظر کارشناسان و اساتید مجرب در این حوزه بررسی گردید و ضریب پایایی آن به کمک روش تصنیف برابر ۰/۸۶ به دست آمد.

## مبانی نظری

### توسعه

متخصصان، توسعه را جریان چند بعدی می‌دانند که مستلزم تغییرات اساسی در ساختار اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (آسایش، ۱۳۷۴: ۸). توسعه در اصل باید نشان دهد که مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع و اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل نظام، از حالت نامطلوب زندگی گذشته خارج شده و به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و مفهومی بهتر است سوق دهد. هنگامی یک برنامه توسعه می‌تواند به موفقیت نائل شود که همزمان با رشد اقتصادی و افزایش بهره‌وری، کاهش نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی را نیز هدف اساسی قرار دهد. مقوله توسعه، به هر مفهومی عبارت است از ارتقا ظرفیت‌های اجتماعی در جهت رفع نیازهای محسوس جامعه، افزایش بهره‌برداری از امکانات و قابلیت‌های اجتماعی در جهت رشد و تعالی جامعه (همان: ۹). بطور کلی توسعه جریانی است که در خود تجدید و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی - اجتماعی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود در میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی - اداری و همچنین ایستارها و وجهه نظرهای عمومی مردم است. توسعه در بسیاری موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می‌گیرد (Lehmann, 1979: 32).

### کوچ و کوچ نشینی

واژه کوچ در فرهنگ‌های معتبر فارسی معانی گوناگونی دارد که عبارتند از رحلت، رحیل، روانه شدن از منزلی به منزل دیگر، انتقال، جلای وطن، مهاجرت و انتقال ایل یا لشکر از جایی به جای دیگر. همچنین کوچ حرکت و جابه جایی است، حرکتی با تمام اسباب و لوازم زندگی و اهل بیت که تداوم زندگی متناسب با تغییرات طبیعی محیط، به‌ویژه تغییرات آب و هوایی و رویش گیاهی انجام می‌گیرد. از کوچ و کوچ نشینی تعاریف متعددی توسط اندیشمندان مختلف ارائه شده است که به چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

کوچ نشینی حرکت منظم سالیانه یا فصلی، برای ارتزاق قومی یا قبیله‌ای، که این حرکت به عوامل محیطی و اوضاع انسانی و اجتماعی بستگی دارد (مشیری، ۱۳۸۵: ۹).  
 امان‌اللهی (۱۳۶۷: ۱) از کوچ نشینی این چنین تعریف نموده: "منظور از زندگی کوچ نشینی آن نوع زندگی است که در آن انسان‌ها از راه پرورش حیوانات و معمولا با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زندگی می‌کنند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالانه، از محلی به محل دیگر می‌کوچند".

افشارسیستانی (۱۳۷۴: ۱۲-۱۳): کوچ نشینی شیوه‌ای از زندگی با جابه‌جایی سالانه و موسمی است که گروهی از مردم همراه با چهار پایان خود، از محل چادرهای زمستانی تا چراگاه‌های تابستانی نقل مکان می‌کنند و در فصل سرما دوباره به اردوگاه زمستانی باز می‌گردند.

### اسکان عشایر

ادبیات کوچ و اسکان در جوامع عشایری در نیم قرن گذشته در ایران حاکی از آن است که اسکان اجباری هرگز پایدار نبوده و خانوارهای اسکان یافته یکجانشینی را به تدریج رها کرده و به زندگی کوچ نشینی روی آورده‌اند. در خصوص ضرورت تداوم کوچ نشینی یا اسکان نظریات گوناگونی ارائه شده است. براساس دیدگاه‌های مخالف با تداوم و استمرار کوچ نشینی، کاهش تدریجی جمعیت کوچ نشین و تنگ‌تر شدن عرصه بر معیشت مبتنی بر دامداری سنتی و تحولات عمیق و فراگیر جوامع بشری در زمینه‌های علمی، فرهنگی و ارتباطات، ادامه این شیوه معیشت را بیش از پیش غیر منطقی و ناممکن ساخته است. به-علاوه جامعه متحول امروز که از انفجار تولید، انقلاب و اطلاعات و دنیای فراصنعتی سخن می‌گوید بی تردید عضو فلج و ناهمگون را در بلند مدت بر پیکره خود تحمل نخواهد کرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

براساس این نظریه، دوران کوچ نشینی به سر آمده و در جهان متحول امروزی ادامه شیوه معیشت کوچ نشینی مورد پذیرش نیست. از سوی دیگر، گروهی از اندیشمندان معتقدند که جماعت‌های عشایری در مرحله انتقالی گذار از کوچ نشینی به یکجانشینی قرار دارند و ابن-

خلدون و توین‌بی<sup>۱</sup> حرکت جماعت‌های عشایری به سوی شهر نشینی را پیش بینی می‌کنند. از دیدگاه آنان عشایر جامعه‌ای بدون تاریخ و پیشینه مدون‌اند که در مقابل فشار و تحولات جوامع یکجانشین توان مقاومت و حفظ شیوه معیشتی خود را ندارند و در مرحله گذار از کوچ به اسکان و یکجانشینی قرار دارند (همانجا). لیکن مسأله در خور تأمل آن است که اسکان و یکجانشینی مستلزم جامعه پذیری بوده و جماعت‌های عشایری متقاضی اسکان از طریق جامعه پذیری، هنجارهای مرتبط با زندگی یکجانشینی را به تدریج درونی می‌کنند. اصطلاح جامعه‌پذیری را نخستین بار رس<sup>۲</sup> محقق آمریکایی به کار برد. وی در مطالعه‌ای تحت عنوان "کنترل‌های اجتماعی"، جامعه‌پذیری را چنین تعریف کرد: «روندی که در آن احساس‌ها و خواست‌های افراد به گونه‌ای شکل می‌گیرند که با نیازهای گروه (جامعه) هماهنگ باشند» (همان: ۲۵۷).

دورکیم<sup>۳</sup> این تعریف را کامل‌تر کرد و در تعریف جامعه‌پذیری از درونی کردن هنجارها سخن به میان آورد و تعلیم و تربیت را مهم‌ترین ابزاری برای درونی کردن هنجارهای اجتماعی قلمداد کرد. به اعتقاد وی در فرایند "جامعه‌پذیری" انسان‌ها رفته رفته به رنگ نظام فرهنگی خود درآمده و با آن سازگار می‌شوند، و به بیان دیگر به فرهنگ خود ملحق می‌شوند. به برکت اجتماعی شدن، شخص در طول حیات خود تمامی عناصر اجتماعی - فرهنگی را فرا گرفته و درونی می‌کند و تحت تأثیر تجارب و عوامل اجتماعی معنادار با ساخت شخصیت خود یگانه می‌سازد تا خود را با محیط اجتماعی که باید در آن زیست تطبیق دهد.

پارسونز<sup>۴</sup> جامعه‌پذیری را روندی می‌داند که طی آن انسان به مفهوم عام می‌آموزد که نقش‌ها چیست؟ این نقش‌ها توسط دیگران برای فرد تعیین می‌شوند و فرد در فرایند

---

1 . Toynbee

2 . Res

3 . Durkheim

4 . Parsons

جامعه پذیری مجموعه ای از بایدها و نبایدها را می آموزد. به بیان دیگر، جامعه پذیری در یک ارتباط متقابل در فرایند تعامل اجتماعی انجام می گیرد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۵۵).

کولی<sup>۱</sup> از بنیانگذاران روان شناسی اجتماعی درباره فرایند جامعه پذیری دیدگاه های جالبی ارائه کرده است. او درباره اینکه خود چگونه ایستارها، اندیشه ها، احساسات و عادات را بر می انگیزد تا به عنوان عضو مشترک جامعه درآید نظریاتی دارد. کولی عقیده دارد که جامعه-پذیری همانند "فرایند آینه" است. همان طور که در کودکان آشنا و نزدیک می توان مشاهده کرد، کودکان بیشتر در برابر چهره پدر و مادر واکنش نشان می دهند تا آنکه به گفته آنها گوش دهند. کولی بر این باور نیست که ما همیشه خود را آن طور می بینیم که دیگران می بینند. وی هم چنین با این نظریه اعتقاد دارد که فرایند آینه از همان نخستین روز زندگی آغاز می شود. همه نظریه های جامعه پذیری که مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی دوره معاصر قرار گرفته اند بر این اساس استوارند که هر آنچه مربوط به شخصیت انسان است از جامعه به دست می آید و فطری و غریزی نیست.

جامعه پذیری فرایندی پیچیده است که به آسانی افراد را در الگوهای اجتماعی و فرهنگی جای نمی دهد. در جوامع جدید این فرایند نیاز به نوعی شخصیت دارد که بتواند با الگوهای در حال تغییر و تحول سازگار شود و در دگرگون ساختن الگوها برای نیازهای در حال تحول مؤثر باشد (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۵۷).

در باب پیشینه ی موضوع مورد مطالعه مقالات ذیل در خور توجه اند:

صیدایی (۱۳۷۷) در مقاله ای با عنوان "توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده" اعتقاد دارد که جامعه عشایری دارای ویژگی های اقتصادی، اجتماعی و شیوه معیشت خاص خود بوده و همواره به عنوان جامعه ای مولد، کم هزینه و توانمند مطرح بوده است و با توجه به دیدگاه عدالت اجتماعی و تعادل منطقه ای توجه به جامعه عشایری کشور برای توسعه پایدار لازم و ضروری است.



منصوری (۱۳۸۱) مقاله‌ای با عنوان "بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصادی تولید در گروه‌های عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه تولید عشایر که در ایل جلالی (ایل غالب شمال غرب استان مرزی آذربایجان غربی)" انجام داده است. این بررسی حکایت از بنیان ضعیف اقتصادی گروه کوچ‌رو دارد. هم‌چنین شیوه تولید عشایری هماهنگی خود را با مقتضیات زمان از دست داده است و این شیوه تولید باید متحول شود و این گروه از عشایر نیز دارای گرایش مثبت در دگرگونی شیوه تولید خود هستند.

لطفی‌پور و صابریان (۱۳۸۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی عشایر شهرستان شیروان و ارائه راهکارهای مناسب جهت ساماندهی زندگی آنان" بیان می‌کنند که، جامعه عشایر شهرستان شیروان به دلیل رویارویی با مشکلات اقتصادی و اجتماعی در شیوه فعلی دامداری و کوچ در مسافت طولانی، آمادگی پذیرش طرح‌های ساماندهی را دارند. از طرفی ناکارآمد بودن نحوه معیشت فعلی، ضرورت ارائه راهبرد عملی و الگوی ساماندهی مناسب با تکیه بر مطالعات اقتصادی - اجتماعی را بیش از پیش آشکار می‌کند.

مطالعه دیگری تحت عنوان "چشم اندازی برای فردای زندگی عشایری" توسط ابراهیم حیاتی انجام گرفته که در فصل اول این بررسی موانع و مشکلات زندگی ایلی و هم‌چنین مزایای زندگی کوچ نشینی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم به اسکان، فواید و موانع آن اختصاص داده شده است. در فصل سوم در مبحث چگونگی گذار از کوچ نشینی به اسکان توصیه شده که طی دوران تهیه و اجرای طرح‌های اسکان که ممکن است حداقل تا پانزده سال آینده به طول بینجامد، عشایر کوچنده را نباید رها کرد، بلکه ارائه خدمات فعلی به کوچندگان ضرورت دارد، در غیر این صورت، طرح‌های اسکان با شکست مواجه خواهند شد. در فصل چهارم با الگوهای اسکان اشاره شده و در خاتمه سه نوع الگوی اسکان تحت عناوین "اسکان به شکل روستاهای عشایری"، "سکان به شکل شهرک‌های صنعتی" و "اسکان به شکل احداث خانه‌های فردی یا چند نفری در منطقه ییلاق و قشلاق" مورد بررسی قرار گرفته است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۸: ۲۵۷).

سایر پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با موضوع پژوهش حاضر  
 بخشنده، نصرت (۱۳۷۳) زمینه‌های اشتغال در اسکان عشایر، حسینی ابری (۱۳۷۳)  
 مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان عشایر، بهشتی (۱۳۷۷) دیدگاه عشایر  
 آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان، دهقانان و کهنسال (۱۳۷۹) بررسی اقتصاد تولید  
 عشایر خراسان، کفیل‌زاده و همکاران (۱۳۸۱) اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و  
 اسکان یافته (مطالعه موردی: ایل کرد)، ضیا توانا و توکلی (۱۳۸۳) اسکان یا ادامه کوچ‌روی؟  
 رویکرد توسعه پایدار به آینده عشایر، حیاتی (۱۳۸۵) تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده  
 شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه به دشت بکان فارس، ایروانی (۱۳۸۵)  
 سنجش میزان گرایش‌های خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود (بررسی  
 موردی: عشایر عرب جرقویه)، عبداللهی (۱۳۸۶) اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان  
 در ایران (مطالعه موردی: طایفه‌وری علی نظر در استان ایلام).

### معرفی محدوده مورد مطالعه

طایفه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، طایفه عرب خزایی است که بیش از ۱۵ سال در  
 روستای آواز اقامت گزیده‌اند. این محدوده در ۶۰ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۳۲  
 درجه و ۵۷ درجه طول شرقی قرار دارد. فاصله روستای آواز تا مرکز دهستان و مرکز بخش  
 ۷ کیلومتر و تا مرکز شهرستان ۳۰ کیلومتر می‌باشد. در محدوده مورد مطالعه ۶۰۰ هکتار  
 اراضی کشاورزی وجود دارد که در اختیار ساکنان روستای آواز است. هم‌چنین منابع آبی آنها  
 نیز به ترتیب برای شرب یک حلقه چاه عمیق و برای کشاورزی و سایر مصارف ۲ حلقه چاه  
 عمیق و ۷ رشته قنات می‌باشد. تعداد دام موجود در خانوارهای عشایر نیز برابر با ۳۰۰۰۰  
 رأس می‌باشد که به صورت دستی و چرا تعلیف می‌گردند.

### یافته‌های تحقیق

#### ۱- خصوصیات فردی پرسش‌شوندگان

براساس مطالعات صورت گرفته، متوسط سن پریش شونندگان ۵۰ سال بوده که از میان آنان ۸۹ درصد مرد و ۱۱ درصدشان زن بوده‌اند (جدول ۱). هم چنین مطالعات نشان داد که به طور میانگین بعد هر خانوار ۴/۸ نفر می‌باشد. به لحاظ برخورداری از سواد، مطالعات انجام گرفته حاکی است که ۲۸ درصد ساکن کانون آواز بی‌سواد و بقیه آنان از سواد برخوردار هستند. بررسی توزیع سواد در مقاطع مختلف تحصیلی نشان می‌دهد که عمده عشایر اسکان یافته (۵۴ درصد) از تحصیلاتی در سطح مقطع ابتدایی برخوردارند. در مراتب بعدی، ۱۱ درصد آنان از تحصیلاتی در سطح دبیرستان و دیپلم و ۷ درصد آنان از تحصیلات دانشگاهی برخوردار می‌باشند (جدول ۲). بررسی ترکیب اشتغال خانوار عشایر اسکان یافته در کانون آواز نشان داد (جدول ۳) که همگی خانوارها به شغل دام‌داری و دام‌پروری اشتغال دارند و تنها ۱۱ درصد خانوارهای مورد مطالعه در کنار امور دام‌داری، به امور کشاورزی و ۷ درصد به سایر فعالیت‌ها مشغول هستند.

## ۲- تحول اقتصادی جامعه عشایری مورد مطالعه

طبق مطالعات انجام گرفته میانگین تحولات شاخص اقتصادی جامعه عشایری اسکان یافته در کانون آواز برابر با ۱/۱۴ بوده که می‌توان گفت تا حدودی به لحاظ اقتصادی وضعیت جامعه عشایری تغییر یافته است. در میان مؤلفه‌های اقتصادی، دسترسی به مواد غذایی متنوع با میانگین ۱/۲۹ دارای بالاترین میزان تغییرپذیری بوده است. پس از آن، دو مؤلفه تنوع اشتغال خانوار و کاهش هزینه تولید محصولات با میانگین ۱/۲۱ قرار دارد. در مراتب بعدی، میانگین تحول در میزان درآمد سالیانه ۱/۱۸، میزان اشتغال خانوار و پس‌انداز سالیانه آن با معدل ۰/۹۶ می‌باشد (جدول ۴).

## ۳- تحول اجتماعی جامعه عشایری مورد مطالعه

بررسی‌ها نشان می‌دهد (جدول ۵) که به طور متوسط از هر خانوار عشایری اسکان یافته در ده سال اخیر (۱۳۹۱-۱۳۸۱) ۱/۳ نفر مهاجرت کرده‌اند. به لحاظ توزیع جنسیتی، ۶۹ درصد مهاجرت کنندگان مرد و ۳۱ درصدشان زن بوده‌اند. مطالعه دلایل مهاجرت افراد حاکی است (جدول ۶) که

عمده مهاجرت‌ها (۴۲ درصد) به منظور کسب درآمد بوده است. در مراتب بعدی، ازدواج و پیروی از محل سکونت همسر با ۲۴ درصد، کسب علم و تحصیل با ۱۹ درصد، اشتغال با ۹ درصد و انجام خدمت سربازی با ۶ درصد از دلایل مهاجرت کنندگان از کانون اسکان آواز یاد شده است. از این رو می‌توان گفت اسکان عشایر تا حدودی زمینه و سکوی مناسب جهت مهاجرت افراد به کانون‌های شهری و ترک فضای محلی را سبب شده است.

طبق مطالعات انجام گرفته (جدول ۷)، میزان تحول اجتماعی جامعه عشایری اسکان یافته در کانون آواز نسبت به قبل، ۱/۲۸ یعنی در حد متوسط بوده است. در میان مؤلفه‌های اجتماعی، تمایل جوانان به ماندن در فضای سنتی طایفه با میزان ۱/۲۵، بیشترین تحول را نسبت به گذشته داشته است. میزان تغییر و تحول مؤلفه دسترسی به امکانات بهداشتی ۱/۴۳، تعامل و روابط میان خانوارها ۱/۳۲، خواسته‌های افراد دولت و سازمان‌های متولی ۱/۲۹، میزان رضایت از زندگی ۱/۲۵، اعتماد مردم در خصوص عملکرد دولت و سایر نهادها ۱/۲۱، مشارکت زنان در اجتماع و میزان آگاهی اجتماعی افراد ۱/۱۸ و دسترسی به امکانات آموزشی و رفاهی خانوار ۱/۱۴ نسبت به گذشته بوده است.

#### ۴- آزمون فرضیه

فرض: با اسکان عشایر تحولات مثبتی در ابعاد اقتصادی - اجتماعی جامعه عشایری به وجود آمده است.

در بررسی این فرضیه از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده شده است. حال اگر فرض کنیم که:  $\sim$  میانگین واقعی متغیر شرایط اقتصادی - اجتماعی عشایر اسکان یافته در کانون آواز باشد، چون متغیر تحت بررسی، مقادیری بین ۱- تا ۳ را به خود اختصاص داده، مقادیر بالاتر از ۱ را به عنوان سطح مطلوب ( $H_0$ ) و مقادیر کمتر یا مساوی ۱ را به عنوان سطح نامطلوب ( $H_1$ ) در نظر می‌گیریم. بر اساس نتایج خروجی آزمون (جدول ۸)، از آن جا که سطح معناداری به دست آمده برابر با ۰/۰۰۳ در سطح  $\alpha = 0.05$  بوده، فرض صفر یعنی میانگین شرایط اقتصادی - اجتماعی عشایر اسکان یافته کمتر و مساوی با ۱ را رد و فرض

مقابل را می‌پذیریم. بر این اساس می‌توان گفت که با اسکان عشایر تحولات مثبتی در ابعاد اقتصادی - اجتماعی جامعه عشایری به وجود آمده است.

### نتیجه

اسکان عشایر یکی از راهبردهایی است که در جهت توسعه و بهبود زندگی عشایر اتخاذ می‌شود. بنا به ضرورت و نیاز به توسعه، بخش قابل توجهی از عشایر شهرستان درمیان اقدام به اسکان خودجوش در کانون روستایی آواز نموده‌اند که پس از آن خدمات و امکانات متعددی به این کانون اسکان عشایری از سوی نهادهای متولی ارائه گردیده است. حال با وجود روند توسعه زیرساخت‌ها و بهبود دسترسی‌ها پاسخ به این سؤال ضرورتی اساسی یافت که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی جامعه عشایری چه تغییری نسبت به گذشته نموده است؟ مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که خانوارهای اسکان یافته هم‌چون گذشته پرجمعیت و گسترده هستند. به لحاظ وضعیت سواد نیز بخش قابل توجهی از افراد باسواد هستند اما درصد بی‌سواد نیز قابل ملاحظه می‌باشد. علی‌رغم آن، در میان افراد باسواد توزیع میزان باسوادی به گونه‌ای است که بیشترین سهم را تحصیلات ابتدایی و یا به عبارتی، تحصیلات مقدماتی به خود اختصاص داده است. در بحث اشتغال نیز از آن‌جا که سابقه و تجربه عشایر اسکان یافته در دامداری و دامپروری بیش از سایر فعالیت‌ها بوده، درصد فعالان در این حوزه نیز بسیار زیاد است.

در مجموع، تحولات اقتصادی به دلایلی نظیر افزایش دسترسی به مواد غذایی متنوع، کاهش هزینه تولید محصولات و افزایش تنوع اشتغال خانوار مثبت ارزیابی شده است. در میان عوامل اقتصادی درآمد، اشتغال و پس‌انداز از جمله مواردی است که همسان و برابر با سایر مؤلفه‌ها رشد نیافته و هر چند که در توسعه دیگر مؤلفه‌ها خود از نقش بنیادی برخوردارند.

به لحاظ اجتماعی نیز تحول مثبتی در میان جامعه عشایری اسکان یافته در کانون آواز ایجاد شده است، به گونه‌ای که مؤلفه‌هایی هم‌چون تمایل جوانان به ماندن در فضای سنتی طایفه، میزان دسترسی به امکانات بهداشتی و تعامل و روابط میان خانوارها از منظر افراد نسبت به گذشته، ارتقاء و بهبود یافته است. از سوی دیگر، برای برخی از افراد (عمدتاً قشر جوان) زمینه مهاجرت به سوی کانون‌های شهری فراهم گردیده است. از این‌رو، در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که با اسکان عشایر، زمینه توسعه و تحول رو به رشد در اجتماعات عشایری ایجاد می‌گردد هر چند که این رشد در ابعاد گوناگون به طور همسان و یکنواخت نبوده و حتی در مواردی پیامدهای منفی به دنبال داشته است، لذا به منظور توسعه یکپارچه جوامع عشایری به‌ویژه در محدوده مورد مطالعه موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

- ۱- ارزیابی دوره‌ای از وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کانون‌های اسکان و تطبیق میزان تغییرات شاخص‌های مورد بررسی؛
- ۲- تدوین برنامه‌های توسعه اشتغال و درآمد پایدار در کانون‌های اسکان جهت جذب و به کارگیری جوانان در عرصه اقتصادی کانون؛
- ۳- بهبود امکانات زیرساختی به‌ویژه آن دسته از امکانات که در ارتباط مستقیم با تولید و توسعه اقتصادی - اجتماعی کانون اسکان می‌باشد.

جدول (۱) توزیع جنسیتی پاسخ‌دهندگان

جنسیت	مرد	زن	جمع کل
فراوانی	۷۶	۹	۸۵
درصد	۸۹	۱۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول (۲) وضعیت سواد در کانون آواز

سطح تحصیلات	بیسواد	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	دانشگاهی	جمع
تعداد	۲۴	۴۶	۰	۹	۶	۸۵
درصد	۲۸	۵۴	۰	۱۱	۷	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول (۳) ترکیب اشتغال خانوار در کانون آواز

نوع شغل	دام‌داری	کشاورزی	سایر
فراوانی	۸۵	۹	۶
درصد	۱۰۰	۱۱	۷

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول ۴) میزان تحول اقتصادی جامعه عشایری کانون آواز نسبت به قبل از اسکان

مؤلفه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
میزان اشتغال خانوار	۰	۲	۰/۹۶	۰/۴۲۹
تنوع اشتغال در خانوار	۰	۲	۱/۲۱	۰/۷۳۸
میزان درآمد سالیانه	۰	۲	۱/۱۸	۰/۵۴۸
هزینه تولید محصولات	۰	۲	۱/۲۱	۰/۵۶۸
پس انداز سالیانه خانوار	۰	۲	۰/۹۶	۰/۶۳۷
دسترسی به مواد غذایی متنوع	۱	۳	۱/۲۹	۰/۵۳۵

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول ۵) توزیع جنسیتی مهاجرت‌کنندگان از روستای آواز طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱

مهاجرت‌کنندگان	مرد	زن	جمع کل
فراوانی	۷۹	۳۶	۱۱۵
درصد	۶۹	۳۱	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول ۶) دلایل مهاجرت از روستای آواز طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۹۱

مهاجرت‌کنندگان	اشتغال	درآمد	ازدواج	سربازی	تحصیل	جمع کل
فراوانی	۱۰	۴۹	۲۸	۷	۲۱	۱۱۵
درصد	۹	۴۲	۲۴	۶	۱۹	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق



جدول ۷) میزان تحول اجتماعی جامعه عشایری کانون آواز نسبت به قبل از اسکان

مؤلفه	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
مشارکت زنان در اجتماع	۰	۲	۱/۱۸	۰/۶۷۰
تعامل و روابط میان خانوارها	۰	۳	۱/۳۲	۰/۷۲۳
میزان آگاهی اجتماعی افراد	۰	۲	۱/۱۸	۰/۵۴۸
خواسته‌های افراد از دولت و سازمانهای متولی	۰	۳	۱/۲۹	۰/۷۶۳
اعتماد مردم در خصوص عملکرد دولت و سایر نهادها	۰	۳	۱/۲۱	۰/۷۳۸
دسترسی به امکانات بهداشتی خانوار	۰	۳	۱/۴۳	۰/۷۴۲
دسترسی به امکانات آموزشی و رفاهی خانوار	۰	۳	۱/۱۴	۰/۷۵۶
تمایل جوانان به ماندن در فضای سنتی طایفه	۰	۳	۱/۵۴	۰/۷۹۳
میزان رضایت از زندگی	۰	۳	۱/۲۵	۰/۷۵۲

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

جدول ۸) نتایج آزمون t تک نمونه‌ای برای فرض تحقیق

میانگین	انحراف	آماره	درجه	سطح معناداری
۱/۲۲۳۸	۰/۳۶۲۰۸	۲۷۱	۸۴	۰/۰۰۳

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق

## منابع و مأخذ

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۴). *راهنمای تحقیق روستاهای ایران*. تبریز: دانشگاه تبریز.
- ۲- ازکیا، مصطفی؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸). *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*. تهران: نشر نی.
- ۳- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۷۴). *ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران*. تهران: آگاه.
- ۴- امان‌اللهی، اسکندر (۱۳۶۷). *کوچ نشینی در ایران*. تهران: آگاه.
- ۵- ایروانی، محمدرضا (۱۳۸۵). "سنجش میزان گرایش‌های خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود (بررسی موردی: عشایر عرب جرقویه)". *جهاد*، شماره ۲۷۴ (آذر و دی): ۴۳ - ۶۲.
- ۶- بخشنده نصرت، عباس (۱۳۷۳). "سامان دهی تیپ‌های معیشت عشایر کوچنده". *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۵ (زمستان): ۸۶ - ۱۰۲.
- ۷- بهشتی، محمدباقر (۱۳۷۷). "دیدگاه عشایر آذربایجان شرقی در مورد کوچ و اسکان". *مجله زبان و ادبیات*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تبریز، شماره ۱۶۶ (بهار): ۸۳ - ۱۱۴.
- ۸- حسینی ابری، حسن (۱۳۷۳). "مروری بر منطقه کوه‌رنگ در رابطه با اسکان". *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۵ (زمستان): ۶۲ - ۷۵.
- ۹- حیاتی، داریوش (۱۳۸۵). "تحلیلی بر پیامدها و راهکارهای گزیده شده اسکان عشایر در ایران با نگرشی بر تجربه به دشت بکان فارس". *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱ (بهار): ۶۷ - ۹۹.
- ۱۰- دهقانیان، سیاوش؛ کهنسال، محمدرضا (۱۳۷۹). "بررسی اقتصاد تولید عشایر خراسان". *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال هشتم، شماره ۷۵ (بهار): ۷۵ - ۱۰۶.

- ۱۱- سرگی یویچ ایوانف، میخائیل (۱۳۸۵). عشایر جنوب: عشایر فارس، قشقایی، خمسه، کهگیلویه، ممسنی. ترجمه کیوان پهلوان و معصومه داد. تهران: آرون.
- ۱۲- شاطری، مفید؛ حجتی پور، محمد (۱۳۹۰). "اثرات اقتصادی-اجتماعی طرح‌های اسکان بر جوامع عشایری: مطالعه موردی شهرک نازدشت سریشه در استان خراسان جنوبی". فصلنامه جغرافیای انسانی گرمسار (نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی)، سال سوم، شماره ۲ (بهار): ۱۷ - ۲۹.
- ۱۳- صیدایی، اسکندر (۱۳۷۷). "توسعه پایدار جامعه عشایری ایران در آینده: چارچوب نظری، استراتژی‌های توسعه". مجله زبان و ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۱۳ و ۱۴ (تابستان و پاییز): ۸۳ - ۱۰۰.
- ۱۴- ضیا توانا، محمد حسن؛ توکلی، جعفر (۱۳۸۳). "اسکان یا ادامه کوچروی؟ رویکرد توسعه پایدار به آینده عشایر". جغرافیا، شماره ۳ (پاییز و زمستان): ۶۷ - ۸۷.
- ۱۵- طبیبی، حشمت الله (۱۳۷۱). جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر. تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶- عبداللهی، محمد (۱۳۸۶). "اسکان عشایر و توسعه حیات اجتماعی آنان در ایران (مطالعه موردی: طایفه‌وری علی نظر در استان ایلام)". نامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲ (زمستان): ۱۹ - ۵۳.
- ۱۷- عزیزی، پروانه (۱۳۸۷). بررسی ساختار اجتماعی - اقتصادی ایل شاهسون. تهران: قومس.
- ۱۸- فیروزان، توحید (۱۳۶۲). ترکیب و سازمان ایل‌ها و عشایر ایران، در: مجموعه کتاب آگاه (ایلات و عشایر). تهران: آگاه.
- ۱۹- کفیل زاده، فرخ؛ اسمعیلی‌زاده، علی؛ سیدان، مهدی (۱۳۸۱). "اقتصاد تولید بخش دامداری عشایر کوچنده و اسکان یافته (مطالعه موردی: ایل کرد)". اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۸ (تابستان): ۲۰۱ - ۲۲۳.

- ۲۰- لطفی پور، محمد رضا؛ صابریان، علیرضا (۱۳۸۲). "بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی عشایر شهرستان شیروان و ارائه راهکارهای مناسب جهت ساماندهی به زندگی آنان". *تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۶۹ (تابستان): ۱۳۳ - ۱۵۲.
- ۲۱- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷). *نتایج سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور*. درگاه ملی آمار، ریاست جمهوری معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی. تهران: مرکز آمار ایران.
- ۲۲- مشیری، رحیم (۱۳۸۵). *جغرافیای کوچ نشینی*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲۳- منصوری، مسعود (۱۳۸۱). "بررسی مقایسه‌ای زمینه‌های اقتصادی تولید در گروه‌های عشایری و گرایش آنان به تغییر و تحول در شیوه‌ی تولید". *فصلنامه علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، سال نوزدهم، شماره اول، پیاپی ۳۷، (زمستان): ۶۰ - ۷۲.
- ۲۴- نواب‌نیکو، مهتاب (۱۳۹۰). "اشتغال و کارآفرینی، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری". [پیوسته]. قابل دسترسی در:

<http://www.women.gov.ir/pages/content.php?id=4006>

25- Lehmann, David/ (1979). *Developmen: Four eritical studies*, Frank Cass, London. ( / / ).